

رهیافت فقهی نقش جهاد در تحقق تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خامنه‌ای (حفظه‌الله)

عباسعلی فرزندی*

تأیید: ۱۴۰۴/۸/۲۵

دریافت: ۱۴۰۴/۲/۲۶

رحمان احترامی خاکی**

چکیده

تمدن نوین اسلامی، یکی از اهداف غایی انقلاب اسلامی است که در اندیشه امام خامنه‌ای به‌عنوان یک راهبرد کلان مطرح شده است. تحقق این تمدن، مستلزم ساختارسازی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی بر اساس مبانی دینی و فقه حکومتی است. در این میان، جهاد، به‌عنوان یکی از اصول بنیادین فقه اسلامی، نه تنها یک تکلیف شرعی، بلکه یک ضرورت تمدنی است که بدون آن، نظام اسلامی نمی‌تواند به تکامل تمدنی خود دست یابد. این پژوهش، با رویکرد فقهی، تلاش دارد تا نقش جهاد را در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی را از دیدگاه امام خامنه‌ای بررسی کند. در این راستا، ابتدا مبانی نظری نقش جهاد در تحقق تمدن اسلامی را بررسی می‌کند و در ادامه نقش جهاد در ابعاد مختلف تحقق تمدن (نظامی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و زیست‌محیطی) بررسی می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بدون جهاد، تحقق تمدن نوین اسلامی ناممکن خواهد بود. جهاد، نه تنها عامل حفظ و استمرار نظام اسلامی، بلکه نیروی محرک پیشرفت تمدنی در تمامی ابعاد است. بنابراین، سیاست‌گذاری‌های کلان در حوزه‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی و امنیتی باید بر اساس گفتمان جهاد تنظیم شود تا زمینه‌های عملیاتی تحقق تمدن اسلامی فراهم آید.

واژگان کلیدی

جهاد، تمدن نوین اسلامی، حفظ نظام، فقه حکومتی، نفی سبیل

* استاد دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی: maktah@sndu.ac.ir

** دکتری فلسفه و کلام اسلامی و طلبه سطح چهار حوزه علمیه قم و پژوهشگر فقه امنیت (نویسنده مسئول):

asefehteram@gmail.com

مقدمه

تحقق تمدن نوین اسلامی، به عنوان هدف غایی انقلاب اسلامی، نیازمند یک نظام فکری و عملیاتی منسجم است که بتواند ضمن حفظ، تثبیت و توسعه نظام اسلامی، زمینه‌های شکل‌گیری ساختارهای تمدنی را فراهم آورد. در این میان، «جهاد»، نه تنها یک تکلیف شرعی، بلکه یک اصل تمدن ساز است. چنانچه امیرالمومنین (علیه السلام) در این باره می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الْجِهَادَ وَ عَظَّمَهُ وَ جَعَلَهُ نَصْرَهُ وَ اللَّهُ مَا صَلَحَتْ دُنْيَا وَ لَا دِينٌ إِلَّا بِهِ؛ خداوند جهاد را واجب کرد. جهاد را نصرت خود قرار داد؛ نه دین و نه دنیا جز به جهاد صلاح پیدا نخواهند کرد و اصلاح نخواهند شد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸). امام خامنه‌ای (حفظه الله) نیز در این باره تصریح می‌کند:

حقیقتاً علت ضعف مسلمین و ذلت مسلمین در دوران ما، چیزی جز ترک جهاد نیست (امام خامنه‌ای، درس خارج فقه جهاد، ۱۳۶۹/۲/۲۳).

در منظومه دفاعی-امنیتی امام خامنه‌ای، مفهوم جهاد فراتر از جهاد نظامی تفسیر شده و به عنوان یک راهبرد کلان در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و علمی نقش‌آفرینی می‌کند. در اندیشه ایشان، تمدن‌سازی یک فرآیند تدریجی و تکاملی است که از مرحله انقلاب اسلامی آغاز شده، به دولت اسلامی و جامعه اسلامی و در نهایت به تمدن نوین اسلامی ختم می‌شود (همو، بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲ و ۱۳۸۴/۶/۸). در این مسیر، جهاد عامل پویایی و محرک این تکامل تدریجی است؛ زیرا بدون جهاد، جامعه دچار رخوت، وابستگی و انحطاط تمدنی خواهد شد. بنابراین، باید چگونگی نشأت گرفتن جهاد از مبانی نظری نظام اسلامی و مطرح شدن آن به عنوان یک اصل تمدن‌ساز مطرح شود.

اهمیت موضوع پژوهش

در این پژوهش، جهاد به مثابه یک اصل تمدن ساز، فراتر از جنگ مسلحانه و در تمامی ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تحلیل می‌شود. ضرورت این پژوهش در آن

است که نشان دهد تمدن نوین اسلامی بدون جهاد، حدوداً و بقائاً، امکان تحقق ندارد؛ زیرا در غیاب جهاد، تهاجم تمدنی غرب و وابستگی ساختاری، می‌تواند مانع شکل‌گیری و استمرار آن گردد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از حیث ماهیت، یک مطالعه نظری - تحلیلی در قلمرو فقه حکومتی و مطالعات دفاعی - امنیتی است که با روش تحلیل محتوای کیفی و رویکرد تفسیری - اسنادی انجام شده است. در این پژوهش از دو شیوه مکمل استفاده شده است: نخست، تحلیل محتوای کیفی: استخراج مفاهیم کلیدی از بیانات امام خامنه‌ای، قواعد فقهی و ساختار منظومه دفاعی - امنیتی و دسته‌بندی محورها در قالب مفاهیم کلیدی مانند جهاد، تمدن اسلامی و حفظ نظام انجام شده است. دوم، روش تفسیری - استنادی: استناد به منابع قرآنی، روایی و فقهی برای تبیین جایگاه جهاد در تحقق تمدن نوین اسلامی. داده‌های اصلی پژوهش، بیانات تحلیلی - راهبردی امام خامنه‌ای، منابع فقه شیعه و قواعد فقه حکومتی گردآوری شده‌اند.

مبانی نظری

مفهوم «جهاد» و «تمدن نوین اسلامی»، بر مبانی نظری خاصی استوار شده است که منظومه فکری امام خامنه‌ای نیز در چارچوب آن قرار دارد. بررسی این مبانی، ضرورت فهم دقیق‌تر جهاد و تمدن نوین اسلامی را در سطح نظری روشن و امکان تحلیل رابطه آنها را فراهم می‌سازد. این مبانی در چند محور کلان قابل طرح هستند:

معرفت‌شناسی اسلامی

در معرفت‌شناسی اسلامی، شکاکیت معرفتی نفی می‌شود و رابطه انسان با عالم خارج گسسته نمی‌گردد (ابن‌سینا، ۱۹۸۰م، ص ۳۰؛ ر.ک: صدرالمألهین، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۲۱۱-۹). از طرف دیگر، رابطه معرفتی انسان با عالم خارج محدود به دریافت‌های

حسی و عقلی نیست و امکان و وقوع معارف شهودی و وحیانی نیز مورد پذیرش قرار می‌گیرد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۵۴-۳۵۳).

به تعبیر امام خامنه‌ای، خود عقل اذعان دارد که با ابزار تجربه، اولاً نمی‌توان به بسیاری از حقایق دست یافت و ثانیاً دلیلی برای نفی عالم غیب - که خارج از تجربه حسی انسان است - در اختیار ندارد؛ از این‌رو، راه برای اثبات عقلی عالم غیب و دریافت معارف و حقایق غیبی از طریق وحی الهی گشوده است و طبق ادله عقلی و نقلی، وقوع وحی الهی نیز ثابت شده است (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۷/۲۹، ۱۳۷۰/۱۰/۱۱ و ۱۳۷۰/۷/۲۵ و ۱۳۸۵/۷/۲۵). بنابراین، ایشان منابع معرفتی اسلام را در مرتبه اول قرآن کریم و سنت (روایات، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه) و در مرتبه دوم فقه، فلسفه اسلامی و تاریخ می‌دانند (همو، بیانات، ۱۳۷۰/۱۰/۱۱ و ۱۳۸۰/۶/۲۸ و ۱۳۸۰/۱۲/۱).

هستی‌شناسی توحید محور

در حوزه هستی‌شناسی نیز، طبق ادله عقلی و نقلی، محور هستی «وجود واجب» یعنی خداوند تبارک و تعالی است و عالم، همه مخلوق و محل تجلی اسماء و صفات الهی هستند (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۵۵؛ صدرالمألهین، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۲۴-۲۳). امام خامنه‌ای در تبیین جهان‌شناسی توحیدی، به مخلوق بودن عالم توسط خداوند تبارک و تعالی تأکید دارند و معتقدند که عالم، جلوه علم و قدرت الهی است (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۵/۵). از دیدگاه ایشان، نظم شگفت‌انگیز و هدف‌مندی جهان هستی، ناشی از علم و حکمت خداوند است (همو، بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲ و ۱۳۸۱/۹/۱).

انسان‌شناسی اسلامی

طبق جهان‌بینی اسلامی و الهی، انسان موجودی مختار و دارای جایگاهی خاص و ویژه است. در جهان‌بینی اسلامی، انسان «خلیفه خداوند» (بقره (۲): ۳۰)، مرکب از دو بعد روح و جسم (حجر (۱۵): ۲۹) و دارای فطرت الهی است (روم (۳۰): ۳۰). بنابراین،

اولاً انسان اراده دارد؛ یعنی می‌تواند در عالم تاثیرگذار باشد و ثانیاً از آنجایی که اراده و اختیار و عقل دارد، مسئولیت دارد و ثالثاً لازمهٔ اختیار، امکان تخلف از مقتضای عقل و وحی است. امام خامنه‌ای بر اساس این مبانی معتقد است، انسان به عنوان نمایندهٔ خداوند در زمین، دارای مقام و مسئولیتی ویژه است. این مسئولیت شامل مدیریت زمین بر اساس ارادهٔ الهی و در چارچوب قوانین و اهداف الهی است و انسان باید به گونه‌ای عمل کند که جهان را به کمال برساند (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰، ۱۳۷۹/۹/۱۲، ۱۳۸۱/۶/۳۰ و ۱۳۹۸/۹/۶). بنابراین انسان برای رسیدن به کمال آفریده شده و در قبال تحقق آن مسئولیت دارد.

جامعه‌شناسی امت محور

انسان در جامعه زندگی می‌کند و از آن گریزی ندارد؛ از این رو در قبال جامعه نیز مسئولیت دارد. طبق مبانی اسلامی، جامعه صرفاً ترکیب انضمامی افراد نیست؛ بلکه بر اساس معارف عقلی و نقلی، باید در مسیری جمعی به سوی کمال حرکت کند. امام خامنه‌ای جامعه را نه در چارچوب مفاهیم رایج جامعه‌شناسی غربی - نظیر سوسیالیسم، لیبرالیسم یا حتی ناسیونالیسم مدنی - بلکه در بستر مفهوم «امت» تحلیل می‌کند. امت در نگاه ایشان فراتر از یک «اجتماع قراردادی» است و هویت آن در چارچوب جهان‌بینی توحیدی، تکلیف‌محوری و پیوند با نظام ولایت الهی تعریف می‌شود. این امت، برخلاف جوامع سکولار، از یک هویت معنوی برخوردار است و رابطه آن با حکومت، مشارکتی در چارچوب تکلیف الهی است؛ نه صرفاً بر اساس حقوق شهروندی (امام خامنه‌ای، درس تفسیر قرآن، ۱۳۵۳/۷/۲۰ و همو، بیانات، ۱۴۰۳/۶/۳۱).

غایت‌شناسی و رسالت هدایت الهی

غایت زندگی فردی و اجتماعی انسان کجاست؟ آیا انسان و جامعهٔ انسانی به تنهایی توان طی طریق و رسیدن به آن غایت را دارند؟



غایت حرکت انسان و جامعه

در جهان‌بینی اسلامی، حرکت جامعه و انسان به‌سوی کمال الهی و تحقق توحید است: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره (۲): ۱۵۶). در اندیشه امام خامنه‌ای، غایت نهایی فرد و جامعه، دستیابی به «قرب الهی» است. این نگاه، مبتنی بر نظامی هستی‌شناختی است که در آن، فرد و جامعه در مسیر تکامل معنوی حرکت می‌کنند و غایت نهایی تمام پدیده‌های هستی رسیدن به «قرب الهی» و تحقق اراده خداوند در زمین است (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۱/۱۵، ۱۳۷۹/۸/۲۲، ۱۳۷۹/۹/۱۲، ۱۳۸۱/۳/۹ و ۱۳۸۹/۸/۴). از منظر ایشان، انسان و جامعه انسانی به‌تنهایی قادر به کشف همه ابعاد حقیقت و راه سعادت نیستند و علاوه بر آن وجود نیروهای شیطانی و طاغوتی نیز مانع رشد بشر می‌شوند. از این‌رو ارسال پیامبران برای هدایت بشر با ابزار عدالت، ضرورت تاریخی است (همو، ۱۳۹۹، ص ۳۸۷-۳۹۴، ۴۹۵-۴۹۳ و ۷۷۵-۷۶۵).

نقش پیامبران در تحول اجتماعی

امام خامنه‌ای معتقد است پیامبران و جانشینان الهی آنان، صرفاً ناقلان وحی نیستند؛ بلکه رهبران انقلابی و سیاسی محسوب می‌شوند که با نظام‌های طاغوتی مقابله می‌کنند. رسالت آنها تأسیس جامعه‌ای توحیدی و عادلانه است (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۵۵/۱۰/۱۰ و ۱۳۷۱/۱/۱۵؛ همو، ۱۳۹۶، ص ۶۷) از این منظر، نبوت یک پروژه تمدنی برای تغییر بنیادین جامعه و برپایی عدالت الهی است.

ختم نبوت و استمرار هدایت در قالب امامت و هدایت

از دیدگاه امام خامنه‌ای، ختم نبوت به معنای پایان هدایت الهی نیست؛ بلکه نشان‌دهنده ورود بشر به مرحله‌ای جدید است که در آن هدایت از طریق امامت استمرار می‌یابد. در این چارچوب، قرآن و سنت به‌عنوان دو منبع اصلی وحی باقی می‌مانند؛ اما اجرای دین در جامعه، نیازمند استمرار ولایت الهی است که پس از پیامبر در قالب امامت و سپس ولایت منصوبان ایشان در قالب ولایت فقیه قرار

می‌گیرد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۸۸). در نگاه ایشان، این تفکر، مبنای نظریه ولایت فقیه را تشکیل می‌دهد؛ چراکه امامت بدون حاکمیت اجتماعی محقق نمی‌شود. همچنین در صورت غیبت امام، جامعه اسلامی نمی‌تواند بدون رهبر باقی بماند. بنابراین فقیه جامع‌الشرایط – برخوردار از علم، عدالت و تدبیر – باید مسئولیت هدایت و اداره جامعه اسلامی را بر عهده بگیرد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۹۵-۸۸؛ بیانات، ۱۳۶۹/۴/۲۰ و ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

تمایز با غایت‌شناسی مدرن غربی

در رویکردهای مدرن غربی، غایت جامعه عمدتاً بر پایه عقلانیت ابزاری، پیشرفت علمی – تکنولوژیک و توسعه اقتصادی تعریف می‌شود. با این حال، امام خامنه‌ای این نگرش را ناکافی می‌داند و معتقد است که پیشرفت مادی بدون هدایت الهی، موجب سقوط اخلاقی و استثمار انسان خواهد شد. بنابراین، غایت جامعه نباید صرفاً به توسعه مادی محدود شود؛ بلکه باید در چارچوب عدالت، معنویت و هدایت الهی تعریف گردد (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲، ۱۳۸۳/۱/۲ و ۱۳۸۳/۴/۱).

غایت‌شناسی مهدوی

در منظومه فکری امام خامنه‌ای، تاریخ، عرصه تقابل جبهه حق و باطل است و این نبرد دائمی میان جبهه حق (به رهبری ائمه و اولیای خدا) و جبهه باطل (به رهبری مستکبران جهانی) ادامه دارد. غایت این نبرد، پیروزی جبهه حق و استقرار حکومت جهانی اسلام در عصر ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) است (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲ و ۱۳۸۱/۳/۹ و ۱۳۸۹/۸/۴).

غایت‌شناسی تمدنی (حیات طیبه): تحقق تمدن نوین اسلامی

تحقق تمدن نوین اسلامی، یکی از اصول کلیدی در غایت‌شناسی آیه‌الله خامنه‌ای است. به باور ایشان، جامعه اسلامی باید از مرحله دولت‌سازی و نظام‌سازی عبور کند

و به‌سوی تشکیل تمدن نوین اسلامی حرکت نماید. این تمدن، برخلاف تمدن غربی که مبتنی بر اومانیسم و عقلانیت مادی است، بر پایه توحید، عدالت و هدایت الهی استوار خواهد بود (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲ و ۱۳۸۴/۶/۸).

غایت‌شناسی مقاومت

پس از روشن شدن غایت‌شناسی امام خامنه‌ای، این پرسش مطرح می‌شود که مؤمنان و امت توحیدی چگونه می‌توانند با وجود موانع نظری و عملی و تهدیدات و خطرات دشمنان، به هدف نهایی خود یعنی حیات طیبه برسند؟ در اینجا مفهوم بنیادین «جهاد» به مثابه مدافع و پیش‌برنده حرکت تمدنی امت اسلامی معرفی می‌شود. از دیدگاه ایشان، حفظ استقلال نظام توحیدی و استکبارستیزی - که در قالب جهاد در همه ابعاد و سطوح جامعه اسلامی تجلی می‌یابد -، لازمه رسیدن به اهداف الهی و تأسیس تمدن نوین اسلامی است (امام خامنه‌ای، درس خارج فقه جهاد، ۱۳۶۹/۲/۲۴؛ همو، بیانات، ۱۳۷۲/۲/۱۵، ۱۳۷۶/۸/۱۴ و ۱۳۹۵/۳/۳؛ سند الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، ۱۳۹۷/۷/۲۲).

بنابراین مبانی غایت‌شناختی در اندیشه آیه‌الله خامنه‌ای را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

۱. غایت نهایی جامعه و فرد، دستیابی به قرب الهی و عدالت اسلامی است.
۲. جامعه اسلامی باید بستری برای تکامل معنوی و اجتماعی باشد.
۳. ولایت فقیه و مردم‌سالاری دینی، ابزار تحقق اهداف الهی در جامعه اسلامی اند.
۴. تمدن نوین اسلامی، هدف غایی حرکت تاریخی جامعه اسلامی است.
۵. جهاد و مبارزه با استکبار و نیز حفظ استقلال فرهنگی، لازمه تحقق جامعه توحیدی است. این منظومه غایت‌شناختی، چارچوبی جامع ارائه می‌دهد که در آن جامعه، سیاست، فرهنگ و اقتصاد در یک مسیر هدف‌مند به‌سوی تحقق عدالت الهی و تمدن اسلامی هدایت می‌شوند.

مفهوم‌شناسی جهاد

واژه «جهاد» در لغت از ماده «ج - ه - د» بوده و دو ریشه «جَهْدُ» یا «جُهد» برای آن ذکر شده است. ابن فارس اصل این ماده را به معنای مشقت و زحمت دانسته و سایر کاربردها را بازگشت یافته به این معنا و وابسته به آن می‌داند (ابن فارس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۸). فراهیدی و ابن‌منظور نیز این ریشه را به معنای «به نهایت رسیدن طاقت و مشقت» دانسته‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۳۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۴۰۷).

در قرآن و روایات، واژه جهاد در سه معنا به کار رفته است: ۱. به معنای قتال و جنگ مسلحانه (نساء (۴): ۹۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲؛ همو، ج ۹، ص ۳۵۷). ۲. در معنایی غیر از جهاد مسلحانه و مبارزه غیر نظامی (فرقان (۲۵): ۵۲؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۱۶). ۳. در معنایی اعم از هر دو (توبه (۹): ۷۳؛ تحریم (۶۶): ۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۹).

در اصطلاح فقهی، جهاد غالباً به معنای «قتال» و جنگیدن دانسته شده که به جهاد ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌شود (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۶۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۱).

شهید ثانی در «مسالک»، جهاد را به معنای جنگ و مبارزه مسلحانه دانسته و می‌گوید: و هو شرعاً بذل الوسع بالنفس و ما يتوقف عليه من المال في محاربة المشركين؛ جان و مال را در راه جنگ با مشرکین بذل کردن جهاد است عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۷).

با این حال، شهید ثانی در «مسالک» از شهید اول نقل می‌کند که جهاد عبارت است از: بَأْنَهُ بذل النفس و المال في إعلاء كلمة الإسلام و إقامة شعائر الإيمان؛ بذل جان و مال در راه اعتلای کلمه اسلام و اقامه شعائر الهی، جهاد است (همان).

در این تعریف، جهاد به میدان جنگ محدود نشده؛ بلکه هرگونه بذل نفس و مال انسان در راه اقامه کلمه حق، جهاد است.



امام خامنه‌ای با جمع‌بندی کاربردهای قرآنی، روایی و فقهی از جهاد، دیدگاه شهید اوّل را برمی‌گزیند (امام خامنه‌ای، درس خارج فقه جهاد، ۱۳۶۹/۲/۲۴). از نظر ایشان، جهاد دارای دو قید اساسی است؛ اولاً مبارزه است؛ اعم از مسلحانه و غیر مسلحانه و ثانیاً مبارزه در مقابل دشمن است. به اعتقاد ایشان، واژه «جهاد» در لغت عرب پیش از اسلام دلالت بر مقابله با دشمن نداشته است. کاربرد آن در معنای «مبارزه با دشمن» از نوآوری‌های اصطلاح اسلامی و استعمال قرآنی است. ایشان برای این مدعا به فقدان این معنای خاص در برخی منابع کهن لغوی، مانند «صحاح» و «مقایس اللغة» استناد می‌کند و احتمال می‌دهد تعاریفی که در برخی کتب متأخر آمده، متأثر از اصطلاح شرعی باشد (همان).

ایشان در استدلال به تعریف جهاد در «لسان العرب»^۱ می‌گوید:

این کتاب با توجه به اینکه خیلی متاخر است، لکن عبارت‌اش در تعریف جهاد، شاهد بر استفاده ماست (همان).

بنابراین می‌توان گفت: جهاد در لغت از ریشه «جهد» به معنای نهایت تلاش و کوشش است. در اصطلاح فقهی، جهاد به معنای تلاش در راه خدا برای دفاع از اسلام، اجرای احکام الهی و مقابله با دشمنان دین تعریف می‌شود. از دیدگاه امام خامنه‌ای، جهاد در فقه اسلامی، نه تنها یک عمل نظامی، بلکه مفهومی چندبعدی و گسترده است که شامل ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و... نیز می‌شود. تأسیس و حفظ نظام اسلامی و جامعه اسلامی و رسیدن به اهداف الهی (تأسیس تمدن نوین اسلامی) بدون جهاد ممکن نیست (همان).

مفهوم شناسی تمدن

تعریف لغوی: واژه تمدن در زبان عربی از «مدن» اخذ شده که معنای آن اقامت کردن است. معادل «تمدن» یا «حضارة»، واژه (civilization) در زبان انگلیسی است که از لغت لاتینی (civis) به معنی شهروند یا شهرنشین گرفته شده و دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت می‌کند؛ ویژگی‌هایی که از دستاوردهای شهرنشینی به‌شمار

می‌آیند، یا برای بیان پیشرفت و ترقی افراد و جمعیت‌هایی که در شهرها زندگی می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌گیرد (سپهری، ۱۳۸۵، ص ۳۵). یونانیان با استفاده از واژه (civilization)، شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۹). در فرهنگ فارسی، تمدن چنین تعریف شده است:

شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود (عمید، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۳۰).

در زبان انگلیسی، واژه (civilization) به مفهومی اطلاق می‌شود که ناظر به استقرار یافتن است و در تعریف اجتماعی، همان شهرنشینی را تداعی می‌کند (ولایتی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۳).

تعریف اصطلاحی: ابن‌خلدون، جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصبيت را از مؤلفه‌های مدنیت دانسته است (آدمی، ۱۳۸۷، ص ۳۹). وی «حضارت» را یکی از مراحل زندگانی جامعه می‌داند که مرحله «بداوت» را به کمال می‌رساند (سپهری، ۱۳۸۵، ص ۳۱). او درباره «مدنیت» بیان می‌کند:

در اینکه اجتماع نوع انسان ضروریست و حکیمان این معنی را بدین‌سان تعبیر کنند که انسان دارای سرشت مدنی است، یعنی ناگزیر است اجتماعی تشکیل دهد که در اصطلاح ایشان آن را مدنیت گویند و معنی عمران همین است (ابن‌خلدون، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۷۷).

به اعتقاد ابن‌خلدون، «حضارت» و «بداوت» همدیگر را کامل می‌کنند. حضارت به معنای تأسیس شهرها و شهرک‌ها و استقرار است؛ وضعیتی که در آن حکومت، مدنیت، مکاسب زندگی، صنایع و علوم و وسایل رفاه و آسایش پدید می‌آید (سپهری، ۱۳۸۵، ص ۳۲).

از دیدگاه علامه جعفری تمدن عبارت است از:

برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویران‌گر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم

مقام آنها بنماید؛ به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعداد‌های سازنده آنها باشد (جعفری، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۲۳۳).

برخی دیگر از نویسندگان، فرهنگ و تمدن را یکی دانسته، ولی دامنه و زمان فرهنگ را محدودتر از تمدن تلقی کرده‌اند:

فرهنگ [و تمدن]، راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان است (لوکاس، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۰).

در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه مفهوم تمدن در قالب تعریفی مشخص و ثابت ارائه نشده است و معانی مختلفی از آن برداشت می‌شود. ایشان تمدن را از فرهنگ متمایز کرده و این دو را جداگانه به کار برده که نشان می‌دهد معنای متفاوتی برای آنها در نظر داشته است.

همچنین، ایشان پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی را در قالب آبادانی، تأسیس نهادها و ساخت ابزارهای جدید از مصادیق تمدن می‌دانند (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۲۲). بر این اساس، تعریفی که ایشان درباره تمدن بیان کرده است، بیانگر دستاوردهای مادی بشر برای ادامه زندگی، توسعه و ترقی است. در این تلقی، فرهنگ - که بیشتر دستاوردهای معنوی انسان را شامل می‌شود - مقدم بر تمدن است.

ادله فقهی وجوب جهاد

به نظر امام خامنه‌ای وجوب بخش قتال جهاد نظامی، قطعاً از ضروریات دین است و آیات کریمه قرآن بر آن دلالت دارند؛ مانند آیه: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ» (بقره (۲): ۲۱۶ و امام خامنه‌ای، درس خارج فقه جهاد، ۱۳۶۹/۲/۲۶).

سوالی که مطرح می‌شود، درباره جهاد به معنای اعم از قتال است: آیا استدلال محکمی بر وجوب معنای اعم جهاد وجود دارد، یا این برداشت نوعی استحسان است؟

یکی از دلائل، آیه شریفه ۲۴ سوره توبه است: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ ... أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ»

بگو اگر پدران‌تان و فرزندان‌تان و برادران‌تان ... از خداوند و رسول او و جهاد در راه او، دوست داشتنی‌تر هستند، پس صبر کنید تا خداوند [حکم و] امرش را بیاورد». در این آیه هیچ قیدی که دلالت کند مراد از جهاد، صرفاً جهاد مسلحانه است، وجود ندارد و تعبیر «فِي سَبِيلِهِ» مطلق است و شامل همه انواع جهاد می‌شود (همان).

دلیل دیگر، آیه ۸۶ سوره توبه است: «وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطَّوْلِ مِنْهُمْ؛ هنگامی که سوره‌ای نازل می‌شود، که به خدا ایمان بیاورید و با رسولش جهاد کنید، ثروت‌مندان آنها از تو اجازه [ترک جنگ] می‌خواهند و می‌گویند: بگذار ما همراه نشستگان [از جهاد] باشیم».

ایشان در تبیین دلالت این آیه بر وجوب جهاد غیر قتالی، بیان می‌کند که روشن است که ثروت‌مندان برای نرفتن به جهاد مسلحانه اجازه می‌خواستند؛ اما ظهور آیه مبارکه در این است که مراد از امر به جهاد در آن، اعم از مسلحانه است؛ هرچند در مقام تطبیق، بر مصداق جهاد قتالی منطبق شده است.

دلیل دیگر آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» (توبه (۹): ۷۳) است. استدلال به آیه بدین صورت است: اولاً روشن است که این حکم اختصاص به شخص پیامبر ندارد؛ هرچند خطاب به پیامبر است؛ اما حکم آن شامل مؤمنان هم می‌شود. ثانیاً جهاد با منافقین، غالباً جهاد مسلحانه نیست. بنابراین جهاد مأمور به در این آیه، اعم از مسلحانه و غیر مسلحانه است.

دلیل دیگر، آیه «مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (مائده (۵): ۵۴) است. تعبیر «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، به عنوان وصف مؤمنانی ذکر شده است که خدای متعال آنان را در برابر مرتدان احتمالی معرفی می‌کند و ظاهر آن، این است که جهاد در راه خداوند برای آنان واجب است.

دلیل دیگر، آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده (۵): ۳۵) است. امام خامنه‌ای می‌گوید در این آیه جهاد، شرط فلاح و رستگاری محسوب شده است؛ لذا چیزی که شرط فلاح است، قطعاً واجب است؛ زیرا

«فلاح» به معنای دستیابی انسان به همان غایتی است که آفرینش او برای آن قرار داده شده است و تخلف از آن، در حقیقت تخلف از فلسفه خلقت خواهد بود؛ از این رو شرط تحقق آن نیز باید واجب باشد (امام خامنه‌ای، درس خارج فقه جهاد، ۱۳۶۹/۲/۲۶). بنابراین جهاد به معنای اعم به مقتضای ادله یاد شده (که در اینجا برخی از آنها ذکر شد)، یک تکلیف الهی است و امت اسلامی و مسئولان حکومت ولایی به موجب نصوص دینی، مکلف‌اند در همه عرصه‌ها برای حفظ نظام اسلامی مجاهده کنند؛ امری که در نهایت به تحقق تمدن نوین اسلامی منتهی می‌شود.

نقش جهاد در ابعاد مختلف تحقق تمدن نوین اسلامی

پس از بررسی مبانی نظری و مفهوم شناسی جهاد و تمدن، اکنون باید بررسی کنیم که جهاد چگونه در ابعاد مختلف، به عنوان ابزار تمدن‌سازی ایفای نقش می‌کند. در این بخش، نقش جهاد را در ابعاد زیر بررسی می‌کنیم:

۱. جهاد و دفاع و امنیت سخت (نظامی - امنیتی) ۲. جهاد و سیاست ولایی ۳. جهاد و استقلال فکری - فرهنگی ۴. جهاد و اقتصاد مقاومتی ۵. جهاد، مشارکت مردمی و انسجام اجتماعی ۶. جهاد و توسعه علمی - فناوری ۷. جهاد و محیط زیست.

هر یک از این حوزه‌ها، ستون‌هایی از تمدن نوین اسلامی را تشکیل می‌دهند و بدون جهاد، تحقق آنها ممکن نیست.

جهاد و دفاع و امنیت سخت (نظامی)

بعد نظامی و انتظامی در حقیقت بستر اصلی موجودیت خارجی نظام اسلامی و حفظ آن است و هرگونه تحقق تمدن نوین اسلامی، اولاً و بالذات، متوقف بر حفظ موجودیت خارجی نظام اسلامی است. به همین دلیل قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد برای حفظ امنیت و دفاع از کیان اسلام و نیز ایجاد رعب در دل دشمنان خدا و دفع هجوم آنان، نیروهای مسلح خود را آماده نگه دارند (انفال (۸): ۶۰). همچنین کسانی را که در راه دفاع از کیان اسلام مجاهدت کرده و جان‌فشانی می‌کنند، بر دیگران

برتری بخشیده است (نساء(۴): ۹۵). پیامبر اکرم ﷺ نیز بهترین مردم را کسانی معرفی کرده‌اند که جان و مال خود را در راه خدا برای جهاد با دشمنان او وقف می‌کنند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۱۷). امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز نیروهای نظامی را دژهای مردم، زیور والیان و مایه عزت دین و امنیت مردم دانسته و درباره جایگاه و وظایف سپاهیان و چگونگی حضور در صحنه نبرد رهنمودهای متعددی ارائه کرده‌اند (نهج البلاغه، نامه ۵۳ و خطبه ۱۲۴).

امام خمینی رحمه الله وجود نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را از امور مهم نظام اسلامی می‌دانست و تأکید می‌کرد که آنان حافظ استقلال کشور و مصالح مردم، ستون فقرات انقلاب و نور چشم ملت هستند و آنان را در دفاع از کشور و انقلاب اسلامی دارای جایگاه ویژه‌ای می‌دانست (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۲۳۰ و ج ۱۲، ص ۲۹۵ و ج ۱۷، ص ۳۹۷) و امام خامنه‌ای نیز نیروهای مسلح را حصار مستحکمی در برابر توطئه‌ها و شرارت‌های دشمنان علیه ملت ایران معرفی کرده است (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۷/۱۳ و ۱۳۹۴/۱/۳۰).

حفظ موجودیت نظام اسلامی - به عنوان شرط اصلی تحقق تمدن نوین اسلامی -، در ادبیات فقه حکومتی در قالب «جهاد» مطرح می‌شود و بدون جهاد نظامی، امکان تحقق تمدن نوین اسلامی وجود ندارد. امام خامنه‌ای معتقد است از مجموع آیات و روایات جهاد استفاده می‌شود که هر انسان یا هر مجموعه کوچک و بزرگی، برای بقای حیات خود به تحرک، مجاهدت و دفاع نیاز دارد. بنابراین دین خدا، نظام اسلامی و ارزش‌های اسلامی، بدون جهاد و بدون دفاع در برابر دشمن، نمی‌توانند باقی بمانند. از دیدگاه ایشان، جهاد و دفاع امری قهری و طبیعی برای ادامه حیات است (همو، درس خارج فقه جهاد، ۱۳۶۹/۲/۳۰). ایشان ایجاد ارتش آماده و مسلح را مقتضای فرمان الهی «أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (انفال(۸): ۶۰) می‌داند (همان).

بنابراین بعد نظامی در منظومه دفاعی - امنیتی امام خامنه‌ای، ناظر به حفظ تمامیت ارضی، بازدارندگی دفاعی، مقابله با تهدیدات خارجی، حفظ امنیت داخلی و تأمین ثبات ملی است. در این منظومه، دفاع نظامی تنها محدود به مقابله با تهدیدات کلاسیک

نظامی نیست؛ بلکه دفاع نامتقارن، جنگ ترکیبی و تهدیدات نوین را نیز در بر می‌گیرد. نهادهای نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی، تحت فرماندهی ولی فقیه، وظیفه دارند امنیت داخلی، مرزی و منطقه‌ای کشور را تأمین کرده و از دستاوردهای انقلاب اسلامی دفاع نمایند. همه این موارد، مصدایقی از جهاد و مقدمات آن به‌شمار می‌آیند و قطعاً بدون چنین جهادی، تحقق تمدن اسلامی امکان ندارد.

جهاد و سیاست ولایی

همان‌طور که گذشت، از دیدگاه امام خامنه‌ای، جهاد در فقه اسلامی، صرفاً یک عمل نظامی نیست؛ بلکه مفهومی چند بعدی و گسترده است که ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد. ایشان معتقد است تأسیس و حفظ نظام اسلامی و حرکت جامعه به سوی اهداف الهی - از جمله تحقق تمدن نوین اسلامی - بدون جهاد ممکن نیست (امام خامنه‌ای، درس خارج فقه جهاد، ۱۳۶۹/۲/۲۴).

یکی از مهم‌ترین ابعاد نظام اسلامی، سیاست و رهبری جامعه اسلامی است. جامعه اسلامی بدون حرکت در مسیر ولایت الهی نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد و تحقق تمدن اسلامی نیز در گرو انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی و دولت اسلامی به رهبری ولی فقیه است. امام خمینی رحمته الله علیه می‌گوید:

سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد؛ تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و آنها را هدایت کند به‌طرف آن چیزی که صلاحشان هست و این مختص به انبیاست (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۴۳۲).

امام خامنه‌ای نیز فقه حکومتی و ولایت فقیه را امتداد خط نبوت و امامت می‌داند و معتقد است ولایت فقیه به معنای حاکمیت مشروع در چارچوب توحید و عدالت است و بدون آن، اسلام در حد یک ایدئولوژی فردی باقی می‌ماند و توان تحقق اجتماعی - سیاسی خود را از دست می‌دهد (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰؛ همو، ۱۳۹۸، ص ۲۰-۱۳؛ همو، ۱۳۹۶، ص ۹۵-۸۸). در این نگاه، ولایت برخلاف

حاکمیت‌های عرفی نه از مردم و نه از اشخاص، بلکه از خداوند مشروعیت می‌گیرد؛ هرچند مردم در فرایند تعیین مصداق و بیعت با ولیّ مشروع نقش دارند؛ نه ایجاد مشروعیت برای او (همو، بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

در اندیشه آیه‌الله خامنه‌ای، استقلال ملی و مقابله با سلطه‌گری جهانی، یکی از اصول اساسی سیاست به شمار می‌آید (همو، بیانات، ۱۳۷۶/۳/۱۴، ۱۳۸۳/۴/۱ و ۱۳۸۷/۱/۱). اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز سیاست خارجی کشور را بر پایه عزت، حکمت و مصلحت و نفی هرگونه سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی تعریف کرده است. بنابراین، ولایت رکن اساسی تحقق جامعه اسلامی و شکل‌گیری تمدن اسلامی است. پیدایش انقلاب اسلامی و استقرار نظام اسلامی در کنار عوامل دیگری مانند مشارکت و حضور مردمی، وابسته به ولایت و رهبری جامعه توسط ولی و امام جامعه است. از طرف دیگر، تحقق این امر بدون تلاش مستمر و مجاهدت ولی فقیه ممکن نیست؛ چنانچه انقلاب اسلامی و دوران رهبری امامین انقلاب، نمونه‌ای از این مجاهدت به‌شمار می‌آید. این تلاش مستمر، جهاد سیاسی است که در چارچوب فرماندهی ولی فقیه معنا می‌یابد و بدون آن تمدن نوین اسلامی قابلیت تحقق ندارد.

جهاد و استقلال فکری - فرهنگی

امام خمینی رحمه الله نگاهی زیربنایی به فرهنگ داشت و قدرت تعیین‌کنندگی آن را بسیار بالا می‌دانست. همه تحولات - چه در مسیر مثبت و متعالی و چه در طریق فساد، انحطاط و تباهی -، از بستر فرهنگ آغاز می‌شوند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۹۰). ایشان تأکید می‌کرد که مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک ملت، فرهنگ است (همان، ج ۳، ص ۳۰۶). امام خامنه‌ای نیز معتقد است:

فرهنگ به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما به ناچار هوا را تنفس می‌کنید؛ چه بخواهید و چه نخواهید. اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱/۱).



ایشان فرهنگ را آمیخته با بسیاری از امور کشور می‌داند و می‌گوید:

از هر طرف که حرکت می‌کنیم، می‌بینیم که به فرهنگ می‌رسیم و راه‌ها واقعاً به فرهنگ ختم می‌شود (همو، بیانات، ۱۳۶۹/۹/۱۹).

در دیدگاه امام خامنه‌ای، فرهنگ یکی از پایه‌های اساسی قدرت و اقتدار ملی در کنار اقتصاد، علم و دانش است؛ با این تفاوت که فرهنگ از نظر ایشان مهم‌تر است و زمینه بقیه عرصه‌ها را فراهم می‌کند (همو، بیانات، ۱۳۹۳/۱/۱). از دیدگاه ایشان، بُعد دفاعی - امنیتی برای فرهنگ، از ملزومات عصر حاضر است (همو، بیانات، ۱۳۶۸/۷/۵). ایشان تهاجم فرهنگی را یکی از جدی‌ترین تهدیدها علیه نظام اسلامی دانسته و بر لزوم مقابله با آن تأکید دارند (همو، بیانات، ۱۳۷۲/۲/۱۵، ۱۳۹۲/۲/۱۹، ۱۳۹۳/۱/۱ و ۱۳۹۷/۱۲/۲۳). ایشان بر لزوم جهاد فرهنگی برای حفظ و گسترش فرهنگ اسلامی تأکید می‌کند و معتقد است این جهاد باید در همه عرصه‌ها، از جمله عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جریان یابد (همو، بیانات، ۱۳۸۶/۵/۲۸ و ۱۳۹۹/۲/۲۸). ایشان در تبیین نسبت میان انواع جهاد می‌گوید:

بدون جهاد، هیچ دشمنی از صحنه عقب‌نشینی نخواهد کرد و جهاد هم جز با اتحاد و وحدت و هماهنگی، امکان‌پذیر نیست. جهاد، عبارت است از جهاد نظامی، جهاد سیاسی و جهاد فرهنگی... بدون کار جهادی، کار سیاسی و تحرک، هیچ فایده‌ای ندارد. کار سیاسی، باید پشتوانه جهاد نظامی داشته باشد و هر دوی اینها، بدون کار فرهنگی بی‌ثمر خواهد بود (همو، بیانات، ۱۳۶۹/۱/۲۲).

در منظومه دفاعی آیه‌الله خامنه‌ای، فرهنگ نه یک حوزه فرعی یا تکمیلی، بلکه بُعدی راهبردی از امنیت ملی و دفاع از کیان نظام اسلامی است (همو، بیانات، ۱۳۶۹/۹/۱۹ و ۱۳۹۳/۱/۱). بر این اساس، جهاد صرفاً در میدان نظامی معنا ندارد؛ بلکه عرصه فرهنگ نیز میدان دائمی جهاد است. این برداشت، ریشه در همان مفاهیم فقهی همچون وجوب جهاد، جهاد کبیر و لزوم دفع فساد اجتماعی و فکری دارد. در این چارچوب، مقابله با تهاجم فرهنگی، تنها وظیفه دولت نیست؛ بلکه تکلیف همه آحاد امت اسلامی است (همو، بیانات، ۱۳۶۹/۱/۲۲، ۱۳۸۶/۵/۲۸ و ۱۳۹۹/۲/۲۸).

بنابراین در دیدگاه امام خامنه‌ای، جهاد فرهنگی، زیرساخت جهاد سیاسی و نظامی است. روشن است که تحقق و حفظ انقلاب اسلامی، نظام اسلامی و دولت اسلامی، بدون جهاد فرهنگی امکان ندارد و تحقق تمدن نوین اسلامی، در گرو مجاهدت فرهنگی است. جهاد فرهنگی با تولید روایت اسلامی و مقابله با جنگ نرم، زمینه شکل‌گیری هویت تمدنی مستقل را فراهم می‌کند. اگر جامعه اسلامی جهاد فرهنگی نکند، به تدریج دچار استحاله شده و تمدن اسلامی از درون متلاشی خواهد شد و در نتیجه امکان تحقق تمدن نوین اسلامی از میان می‌رود.

جهاد و اقتصاد مقاومتی

بعد مالی و اقتصادی نظام اسلامی، همانند سایر ابعاد آن، نقش مهم و سرنوشت‌ساز دارد؛ چراکه زندگی اجتماعی انسان، بر تأمین نیازهای فردی و اجتماعی از طریق افراد و جوامع بشری استوار است و بدون رفع نیازها، زندگی انسان‌ها دچار اختلال خواهد شد و بقای هر نظامی - اعم از نظام اسلامی و... - به میزان حضور و پذیرش مردم وابسته است و این حمایت بدون رفع نیازهای اقتصادی و مالی مردم امکان‌پذیر نخواهند بود. از این‌رو، اگر نظامی نتواند معیشت و نیازهای اقتصادی مردم را تأمین کند، پایدار نخواهد بود و در نتیجه تمدنی شکل نخواهد گرفت. تمدن نوین اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. در همین چارچوب، یکی از مهم‌ترین مفاهیم اقتصادی در اندیشه امام خامنه‌ای، «اقتصاد مقاومتی» است. ایشان معتقد است برای مقابله با چالش‌های اقتصادی داخلی و خارجی، کشور باید به یک ساختار اقتصادی مقاوم و درون‌زا دست یابد که در آن، نه تنها بر منابع طبیعی و سرمایه‌گذاری خارجی تکیه نکند، بلکه به تقویت صنایع داخلی، بهبود کارآفرینی و استفاده بهینه از منابع انسانی پرداخته شود (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۲/۱۹، ۱۴۰۲/۱/۱، ۱۴۰۲/۱/۱۵، ۱۴۰۲/۲/۹ و ۱۴۰۲/۲/۱۴). از دیدگاه ایشان وابستگی اقتصادی به خارج می‌تواند به نقطه ضعفی در برابر تهدیدهای نظامی و اقتصادی تبدیل شود. از این‌رو، اقتصاد مستقل می‌تواند کشور را در برابر فشارها و تحریم‌ها مقاوم کند (همو، بیانات، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، ۱۳۹۸/۸/۲۸، ۱۴۰۰/۲/۱۲ و ۱۴۰۰/۱۱/۱۰).



در همین راستا اصل ۴۳ قانون اساسی نیز بر استقلال اقتصاد کشور و جلوگیری از وابستگی به بیگانگان تأکید دارد. این نگاه، اقتصاد را از یک وضعیت صرفاً تولیدی یا مالی فراتر برده و آن را به میدان جهاد، مقاومت و تمدن‌سازی تبدیل می‌کند. از منظر فقهی نیز قاعده «نفی سبیل» مبنای استقلال اقتصادی است؛ زیرا هرگونه وابستگی که زمینه نفوذ بیگانه را فراهم کند، مصداق سلطه بوده و شرعاً ممنوع است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۸۶).

در منظومه دفاعی - امنیتی امام خامنه‌ای، اقتصاد نه تنها یک حوزه کارکردی مستقل، بلکه بخشی بنیادین از نظام راهبردی دفاع و امنیت پایدار محسوب می‌شود؛ برخلاف الگوهای کلاسیک امنیتی که اقتصاد را صرفاً منبع تأمین مالی ساختار نظامی می‌دانند. در فقه حکومتی، اقتصاد به مثابه میدان جهاد و ابزار صیانت از استقلال ملی تلقی می‌شود. در فقه حکومتی، اقتصاد مقاومتی مستند به وجوب حفظ نظام (امام خامنه‌ای، درس خارج فقه جهاد، ۱۳۶۹/۹/۲۶)، نفی استکبار و حراست از استقلال امت اسلامی است (فرقان (۲۵): ۵۲؛ همو، درس خارج فقه جهاد، ۱۳۶۹/۲/۲۴؛ همو، بیانات، ۱۳۹۵/۳/۳، ۱۳۹۵/۳/۶، ۱۳۹۵/۳/۱۴ و ۱۳۹۵/۹/۲۷) و به همین دلیل، یک تکلیف الهی تلقی می‌شود؛ نه صرفاً یک سیاست اقتصادی. در نگاه امام خامنه‌ای، وابستگی به منابع خارجی انرژی می‌تواند جامعه اسلامی را در شرایط بحرانی، آسیب‌پذیر سازد. بنابراین، تقویت امنیت انرژی، بخشی از دفاع پیش‌دستانه و ساختارسازی راهبردی است. همچنین تقویت سرمایه‌گذاری داخلی، علاوه بر آثار اقتصادی، دارای کارکرد امنیتی و فقهی نیز هست؛ زیرا موجب افزایش مقاومت اقتصادی، رونق تولید ملی و کاهش سلطه‌پذیری اقتصادی می‌شود (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱/۱، ۱۳۹۶/۷/۲۶، ۱۴۰۰/۱/۱ و ۱۳۹۴/۱/۱). در نتیجه، اقتصاد پایه قدرت یک تمدن است. بدون استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی و فرهنگی نیز ممکن نخواهد بود. از این‌رو، تمدن نوین اسلامی، بدون جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی در معرض وابستگی قرار خواهد گرفت. براساس قاعده «نفی سبیل»، اقتصاد جامعه اسلامی نباید در معرض سلطه نظام‌های سلطه‌گر باشد. جهاد اقتصادی با تأکید بر تولید داخلی و کاهش وابستگی به منابع خارجی، بستر تحقق تمدن اسلامی

را فراهم می‌کند. براساس قاعده «حفظ نظام» نیز حکومت اسلامی موظف است برای تأمین معیشت مردم، سیاست‌های اقتصادی جهادی اتخاذ کند. بدون جهاد اقتصادی، تمدن اسلامی نمی‌تواند در برابر سلطه اقتصادی غرب مقاومت کند و به استقلال مالی دست یابد.

جهاد، مشارکت مردمی و انسجام اجتماعی

امام خمینی رحمته الله افراد جامعه را به قطره‌های باران و جامعه را به نهرها، سیل و دریا تشبیه کرده که در صورت اجتماع کارسازند و تا اجتماعی نباشد، از قطره‌ها کاری ساخته نیست (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۲۳۱-۲۳۰).

امام خامنه‌ای نیز در بیانات متعدد خود، اجتماع مردمی را به عنوان یک نهاد بنیادین برای پیشبرد تمدن اسلامی تعریف می‌کند (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۸/۲۰). در اندیشه ایشان، حضور و اراده مردم شرط اساسی تحقق تمدن نوین اسلامی است (همان، ۱۴۰۲/۱۰/۲۶). البته حضور و مشارکت مردم در گرو عدالت اجتماعی و مجاهدت مسئولان و مردم برای استوار شایسته‌سالاری و حفظ نهاد خانواده به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه امنیت اجتماعی است (سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱؛ امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۵۶/۱/۱۱، ۱۳۶۶/۶/۳۱، ۱۳۸۵/۸/۲۰، ۱۳۸۶/۱/۱، ۱۳۹۱/۷/۳، ۱۳۹۳/۵/۱ و ۱۳۹۸/۴/۵). همچنین اصول ۳، ۵، ۱۰، ۲۲، ۲۹، ۴۰ و ۴۳ قانون اساسی بر تأمین حقوق اجتماعی و تقویت مشارکت عمومی در اداره جامعه تأکید دارند.

در این چارچوب، وحدت اجتماعی، یکی از ارکان تمدن‌سازی است؛ زیرا جامعه‌ای که درگیر اختلافات داخلی باشد، توانایی شکل‌دهی به یک تمدن را ندارد. دشمنان نیز از طریق نفوذ و جنگ روانی، تلاش می‌کنند انسجام اجتماعی را از بین ببرند. در چنین شرایطی، جهاد اجتماعی عامل تحکیم روابط اجتماعی و مقابله با تفرقه‌افکنی دشمن است. براساس آیه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» قاعده (مأنده (۵): ۲) جامعه اسلامی باید با روحیه جهادی، در مسیر تمدن‌سازی حرکت کند. جهاد در حوزه عدالت اجتماعی نیز



موجب جلوگیری از شکاف طبقاتی و ایجاد هم‌بستگی در جامعه اسلامی می‌شود. جامعه‌ای که فاقد روحیه جهادی باشد، در برابر نفوذ دشمن متزلزل خواهد شد و امکان تحقق تمدن اسلامی از بین می‌رود.

جهاد و توسعه علمی - فناوری

در منظومه دفاعی - امنیتی آیه‌الله خامنه‌ای، بُعد علمی نه یک عنصر جانبی، بلکه از ارکان اصلی امنیت پایدار، اقتدار ملی و بازدارندگی تمدنی به‌شمار می‌آید. علم در این نگاه، نه تنها ابزار پیشرفت مادی، بلکه ساحتی جهادی و عامل استقلال و پیشرفت تمدن اسلامی محسوب می‌شود. از این‌رو، تحصیل علم نه فقط یک حق، بلکه یک تکلیف شرعی تلقی می‌شود؛ مصداقی از جهاد که همسان با جهاد نظامی در مسیر حفظ استقلال، رشد ملت و صیانت از هویت اسلامی قرار دارد (سیاست‌های کلی علم و فناوری، ۱۳۹۳/۶/۲۹؛ امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۲/۲۸ و ۱۴۰۰/۱۱/۲۸). براساس این دیدگاه، علم و فن‌آوری باید به‌گونه‌ای رشد کنند که وابستگی به دشمن را کاهش دهند و توانمندی داخلی را تقویت کنند (همان، ۱۳۸۸/۲/۲۷، ۱۳۸۸/۸/۶، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵ و ۱۳۹۸/۳/۸). در از منظر فقهی استقلال علمی یکی از مصادیق روشن نفی سبیل است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۸۶).

هر جامعه‌ای که در علوم راهبردی، فن‌آوری‌های نوین و دانش‌های پیشرفته وابسته بماند، ناگزیر به پذیرش سلطه سیاسی و فرهنگی نیز خواهد شد (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۲/۲۷، ۱۳۸۸/۸/۶، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵ و ۱۳۹۸/۳/۸). بنابراین، توسعه علم و فن‌آوری از لوازم فقهی استقلال سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی است. تلاش برای خودباوری علمی، دستیابی به مرجعیت علمی و استقلال فن‌آورانه، جهادی شرعی در راستای حفظ نظام اسلامی تلقی می‌شود. از سوی دیگر، قاعده «حفظ نظام» نیز ایجاب می‌کند که جامعه اسلامی برای حفظ و تقویت اقتدار خود، به‌طور مستمر در عرصه علم، نوآوری و فن‌آوری پیشرو باشد (همو، درس خارج فقه جهاد، ۱۳۶۹/۹/۲۶). در دیدگاه امام خامنه‌ای علم باید افق جهانی داشته، تمدن‌ساز باشد و به الگوسازی جهانی امت اسلامی

بینجامد. علم صرفاً برای تأمین نیازهای داخلی کافی نیست؛ بلکه باید زمینه‌ساز نقش‌آفرینی اسلام در نظام جهانی دانایی و آینده تمدن بشر باشد (همو، بیانات، ۱۳۸۶/۷/۹، ۱۳۹۲/۷/۱۷، ۱۳۹۲/۹/۱۹ و ۱۳۹۷/۳/۲۰). در نتیجه، تفاوت بنیادین دیدگاه امام خامنه‌ای با گفتمان‌های سکولار در این است که ایشان علم را صرفاً ابزاری برای رقابت فن‌آورانه یا رشد اقتصادی نمی‌بیند؛ بلکه آن را با ابعاد فقهی، ارزشی، راهبردی و تمدنی پیوند می‌دهد.

در این منظومه فکری، جامعه‌ای که در تولید علم عقب بماند، به تمدن‌های دیگر وابسته خواهد شد. از این‌رو، تولید علم، نوعی جهاد مقدس به شمار می‌آید که ضامن استقلال و پیشرفت تمدنی جامعه اسلامی است.

جهاد علمی، با تأکید بر تولید علم نافع و بومی‌سازی دانش، پایه‌گذار استقلال علمی تمدن اسلامی است. جهاد در حوزه فن‌آوری‌های نوین، جامعه اسلامی را از وابستگی به غرب در حوزه‌های راهبردی (همچون صنایع دفاعی، هوش مصنوعی، انرژی هسته‌ای و...) نجات می‌دهد. از این‌رو، تحقق تمدن نوین اسلامی بدون جهاد علمی و فناوری، امکان رقابت با تمدن‌های دیگر را نخواهد داشت.

جهاد و محیط زیست

منابع طبیعی و محیط زیست، سرمایه‌های تمدنی هستند. تمدنی که در بهره‌برداری از منابع خود وابسته به بیگانگان باشد یا در اثر سوء مدیریت، منابع خود را نابود کند، توان ایجاد یک تمدن مستقل را ندارد. از دیدگاه امام خامنه‌ای، محیط زیست جایگاهی بنیادین، راهبردی و تمدنی دارد. برخلاف دیدگاه‌های رایج که نگاه تکنیکی، اداری یا رفاهی به این مقوله دارند، در این منظومه، محیط زیست بخشی جدایی‌ناپذیر از امنیت ملی، پایداری اجتماعی، اقتدار راهبردی و مسئولیت الهی جامعه اسلامی تلقی می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱۲/۱۷ و ۱۳۹۴/۸/۲۶).

از منظر فقهی و حقوقی، دیدگاه امام خامنه‌ای به محیط زیست، مستند به اصولی مانند قاعده «حفظ نظام» و قاعده «مقدمه واجب» (خامنه‌ای، درس خارج فقه جهاد، ۱۳۶۹/۳/۶)،

قاعده «نفی سبیل» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۸۶)، «عدالت بین نسلی» (سیاست‌های کلی محیط زیست، ۱۳۹۴/۸/۲۶)، «قاعده حق الناس» (اصل ۲۲، ۲۳، ۳۲ و ۳۸ قانون اساسی) و اصل «انفال» هستند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۸۶؛ سیاست‌های کلی محیط زیست، ۱۳۹۴/۸/۲۶؛ اصل ۴۵ قانون اساسی) است.

از دیدگاه فقهی، هر عاملی که موجب تضعیف زیرساخت‌های زیستی، منابع حیاتی، توان اکولوژیک و سلامت عمومی شود، تهدیدی علیه امنیت کشور محسوب شده و مقابله با آن، در چارچوب قاعده «حفظ نظام» واجب خواهد بود. بدین معنا، حفاظت از محیط زیست نه تنها یک وظیفه مدیریتی یا محیطی، بلکه تکلیفی شرعی برای صیانت از کیان امت اسلامی است. در اندیشه اسلامی، حفاظت از محیط زیست، یک تکلیف شرعی و جهادی است (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۱۲/۱۴ و ۱۳۸۹/۱/۹؛ اصل ۵۰ قانون اساسی). از این منظر، جهاد در حفظ انفال و منابع طبیعی، یکی از ارکان شکل‌گیری اقتصاد پایدار تمدنی است. همچنین مصرف بهینه و ترویج سبک زندگی اسلامی، از اصول بنیادین جهاد زیست‌محیطی برای حفظ منابع بین‌نسلی است. در نتیجه، تمدن نوین اسلامی، بدون جهاد در حوزه محیط‌زیست، دچار بحران‌های زیست‌محیطی و اقتصادی خواهد شد.

بنابراین در پاسخ به این پرسش که چرا جهاد، عامل تحقق تمدن نوین اسلامی است، بررسی ابعاد مختلف جهاد در اندیشه امام خامنه‌ای نشان می‌دهد که: بدون جهاد نظامی، امنیت تمدنی از بین می‌رود، بدون جهاد فرهنگی، جامعه دچار استحاله هویتی می‌شود، بدون جهاد اقتصادی، تمدن اسلامی وابسته و ناتوان خواهد شد، بدون جهاد اجتماعی، انسجام جامعه از بین می‌رود، بدون جهاد علمی، تمدن اسلامی به تمدن‌های دیگر وابسته می‌شود و بدون جهاد زیست‌محیطی، زیرساخت‌های تمدن آسیب خواهد دید. بنابراین، جهاد نه تنها یک تکلیف دینی، بلکه یک ضرورت تمدنی است که بدون آن، تحقق تمدن نوین اسلامی ناممکن خواهد بود.

پیشنهادهات

تدوین متون آموزشی برای تبیین نقش جهاد در تمدن‌سازی.
استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و فضای مجازی برای گفتمان‌سازی در سطح عموم.
طراحی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر پایه استقلال و جهاد اقتصادی.
حمایت از تولید محتوای اسلامی در برابر تهاجم رسانه‌ای غرب.
سرمایه‌گذاری در علوم استراتژیک مانند فناوری‌های پیشرفته، هوش مصنوعی و صنایع دفاعی.
مقابله با وابستگی علمی به غرب از طریق نهضت تولید علم بومی.
ارتقای فرهنگ ایثار و جهاد اجتماعی.
توسعه شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر همکاری و مواسات در سبک زندگی اسلامی.

نتیجه‌گیری

در منظومه فکری امام خامنه‌ای، تمدن نوین اسلامی، یک هدف غایی است. تحقق این تمدن، مستلزم طی یک مسیر علّی و طولی از مبانی نظری تا مبانی، اصول و قواعد فقه حکومتی است؛ مسیری که در نهایت، جهاد را به عنوان ابزار تحقق آن مطرح می‌کند.

جهاد در تمامی ابعاد تمدنی (نظامی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و زیست‌محیطی) نقشی اساسی دارد. اگر جهاد ترک شود، تمدن اسلامی در برابر نفوذ، استحاله، وابستگی و انحطاط آسیب‌پذیر خواهد شد. فقه حکومتی، جهاد را به عنوان یک تکلیف شرعی و تمدنی مطرح می‌کند. اصول و قواعد فقهی مانند «حفظ نظام»، «نفی سبیل»، «مقدمه واجب»، همگی نشان می‌دهند که جهاد، نه تنها یک توصیه اخلاقی، بلکه یک ضرورت فقهی و تمدنی است. بدون جهاد، تمدن نوین اسلامی محقق نخواهد شد و جهاد، نه تنها عاملی برای دفاع از نظام اسلامی، بلکه موتور محرک برای پیش‌برد و تحقق تمدن اسلامی است.



یادداشت‌ها

۱. لسان العرب بعد از توضیح مفصل در موضوع جهاد، به این عبارت می‌رسد: «الجهاد، المبالغة و استفراغ الوسع فی الحرب أو اللسان أو ما أطاق من شيء» (ابن منظور، ج ۳، ص ۱۳۵).

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. آدمی ابرقویی، علی، درآمدی بر دانشگاه تمدن ساز اسلامی؛ بایسته‌های نظری، ج ۱، تهران: انتشارات دفتر برنامه‌ریزی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، ترجمه: محمد پروین گنابادی، ج ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله، عیون الحکمة، مقدمه و تحقیق: عبدالرحمن بدوی، بیروت: دارالقلم، ج ۲، ۱۹۸۰ م.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دارالکفر، ۱۳۹۹ ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
۶. امام خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات، قابل دسترسی در سایت: www.khamenei.ir.
۷. امام خامنه‌ای، سیدعلی، درس خارج فقه جهاد، قابل دسترسی در سایت: www.khamenei.ir.
۸. امام خامنه‌ای، سیدعلی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: صهبا، ۱۳۹۹.
۹. امام خامنه‌ای، سیدعلی، هم‌زمان حسین علی‌اکبر، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶.
۱۰. امام خامنه‌ای، سیدعلی، دروس تفسیر قرآن، قابل دسترسی در سایت: www.khamenei.ir.
۱۱. امام خامنه‌ای، سیدعلی، سند الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، قابل دسترسی در سایت: www.khamenei.ir.
۱۲. امام خامنه‌ای، سیدعلی، سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱، قابل دسترسی در سایت: www.khamenei.ir.
۱۳. امام خامنه‌ای، سیدعلی، سیاست‌های کلی علم و فن‌آوری، ۱۳۹۳/۶/۲۹، قابل دسترسی در سایت: www.khamenei.ir.

۱۴. امام خمینی، سیدروح‌الله، **تحریر الوسیله**، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار، ۱۳۷۹.
۱۵. امام خمینی، سیدروح‌الله، **تقریرات فلسفه**، تقریر عبدالغنی موسوی اردبیلی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام)، ۱۳۸۱.
۱۶. امام خمینی، سیدروح‌الله، **تنقیح الاصول**، ج ۳، تقریر حسین تقوی اشتهااردی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام)، ۱۳۸۵.
۱۷. امام خمینی، سیدروح‌الله، **صحیفه امام**، ج ۱، ۳، ۴، ۷، ۱۲ و ۱۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام)، چ ۵، ۱۳۸۹.
۱۸. جعفری، محمدتقی، **فرهنگ پیرو**، فرهنگ پیشرو، ج ۶، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۱۹. سپهری، محمد، **تمدن اسلامی در عصر امویان**، تهران: نورالثقلین، ۱۳۸۵.
۲۰. صدرالمألهین، محمدبن ابراهیم، **الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة**، بیروت: دار احیاء التراث، چ ۳، ۱۹۸۱ م.
۲۱. صدوق، محمدبن علی، **من لایحضره الفقیه**، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۳ ق.
۲۲. عاملی، زین‌الدین بن علی، **مسالك الافهام الى تنقیح شرائع الاسلام**، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، ج ۱، تهران: انتشارات اشجع، ۱۳۸۹.
۲۴. فتحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم، **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان (۱۳۹۶-۱۳۵۹)**، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۷.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، قم: هجرت، چ ۲، ۱۴۰۹ ق.
۲۶. فوزی، یحیی و صنم زاده، محمودرضا، «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (علیه السلام)»، **فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی**، سال سوم، ش ۹، ۱۳۹۱.
۲۷. کرکی، علی بن حسین، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام)، چ ۲، ۱۴۱۴ ق.
۲۸. کلینی، محمدبن یعقوب، **الکافی**، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ ق.

۲۹. لوکاس، هنری، تاریخ تمدن، ج ۱، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران: سخن، چ ۶، ۱۳۸۴.
۳۰. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تحقیق: عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۷، ۱۴۰۴ق.
۳۱. نوری، حسین محمدبن تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، قم: مؤسسه آل البيت علیها السلام، ۱۴۰۸ق.
۳۲. ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.